

ایلخانان و ضرورت‌های بازسازی بغداد

فاطمه السادات سیدقوامی^۱

مصطفی ناصری راد^۲

چکیده: بی‌تردید تهاجم مغول‌ها به بغداد از سوی هلاکو و به دستور خان بزرگ منگوقاآن در سال ۶۵۶ق، موجب کشت و کشتار و ویرانی و تخریب بغداد شد. مؤلفان پژوهش حاضر، میان دورهٔ هجوم مغول‌ها و عصر حکومت ایلخانان (۶۵۴ق-۷۳۶ق) تفاوت قائل شده و با روش توصیفی-تحلیلی با استناد به گزارش‌ها و داده‌های تاریخی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، هم‌أصلی خود را پاسخگویی به ابهام علل اهتمام ایلخانان به بازسازی و رونق تجاری شهر بغداد قرار داده‌اند تا از این طریق به تحلیل انگیزه‌های ایلخانان در بازسازی بغداد و تأثیر ساخت سیاسی و نگرش طبقهٔ حاکمه، اعم از ایلخانان و وزراء، بر ساختار اجتماعی و اقتصادی این شهر دست یابند. بر پایهٔ یافته‌های این پژوهش، با وجود اهتمام ایلخانان بر عمران و آبادانی و رونق تجاری و اقتصادی بغداد، بنا بر علل و عوامل متعدد شکوفایی و پیشرفت در آن چندان رضایت‌بخش نبوده است.

واژه‌های کلیدی: بغداد، ایلخانان، نوسازی، رونق تجاری

۱ دانشجوی دکتری، تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد تاکستان sadat.ghavami25@gmail.com
۲ استادیار گروه تاریخ و تمدن و ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان (نویسنده مسئول)
Mostafanaserirad@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۸/۰۲/۰۸

Ilkhanan and Necessities of Reconstruction of Baghdad

Fatemeh Sadat Seyyed Ghavami¹
Mostafa Naserirad²

Abstract: In the year 1258 AD, The Mongol invasions of Baghdad led by Hulegu was started due to Grand Khan's order, Mōngke Khan and no doubt that these caused massacre and destruction. This paper has distinguished between the period of the Mongol invasion and the era of Ilkhan's rule (1256-1335). The descriptive-analytical method was used citing historical reports and data and based on desk studies to answer why Ilkhanan attempted to reconstruct Baghdad and to develop the trade of that city. Accordingly, Ilkan's causes and motives to reconstruction Baghdad and the effect of political structure, the attitude of the ruling class such as Ilkhanan and ministries on economic and social structures can be revealed analytically. According to the results, in spite of Ilkhanan efforts on development and prosperity of Baghdad and its trade and economic development, flourishing and progress has not been successful due to some factors.

Keywords: Baghdad, Ilkhanan, Reconstruction, Trade development.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1 PhD student of History and civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University Takestan Branch
Sadat.ghavami25@gmail.com

2 Assistant professor, Department of History and civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University
Takestan Branch (Corresponding, Author) mostafanaserirad@gmail.com

مقدمه

چهل سال پس از حمله اولیه مغول‌ها به رهبری چنگیز خان (به ایران و قلمرو خوارزمشاهیان در ۱۶۶۱ق، نواده او هلاکو پس از تخریب قلاع اسماعیلیه و فتح کامل ایران، موفق به فتح بغداد و براندازی خلافت عباسی در ۵۶۶ق شد. وی که در سال ۵۴۴ق فرمان ضبط بلاد غربی و تصرف سرزمین‌هایی از جیحون تا مصر را از جانب منگوقاآن دریافت کرده بود (الامین، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م: ۹۱)، موفق شد طی فراز و فرودهایی حکومت خود را با لقب ایلخانی تأسیس کند. ایلخانان که تا ۷۳۶ق به مدت کمتر از یک سده بر ایران و عراق و بخش‌هایی از شام و آسیای صغیر حکومت کردند (همان، ۲۱۰) علاوه بر پایتخت‌ها و اردوهای بیلاقی و قشلاقی دیگر خود به مثابه مراکز تصمیم‌گیری، شهر بغداد را هم که بیش از پنج قرن مرکز خلافت عباسیان بوده است، به عنوان پایتخت در نظر گرفتند. صرف نظر از ویرانی و تخریب بغداد، اثر حاضر میان دوره هجوم و عصر حکومت مغول‌ها تفاوت قائل شده و هم اصلی را بر اهتمام ایلخانان به بازسازی و رونق تجارت در شهر بغداد قرار داده و به تحلیل علل و انگیزه‌های بازسازی آن توسط ایلخانان پرداخته است.

بر اساس مستندات تاریخی، غارت و تخریب بغداد پیش از تهاجم ویرانگر مغول‌ها نیز بارها به وقوع پیوسته بود. برای نمونه، می‌توان به ورود فاسقان حربی و بدکاران و راهزنان و تعرض به مردم بغداد در ۱۹۵ق (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۴۵۶/۲؛ طبری، ۱۳۶۴: ۵۶۵۶/۱۳) و یا قتل و غارت در بغداد در جریان ورود سلجوقیان به رهبری طغرل به بغداد (ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳/۳) و ده‌ها نمونه دیگر اشاره کرد. آنچه که همواره بر وخامت اوضاع می‌افزود، شرایط جوی و یا نزاع مذاهب و یا شورش سپاهیان و عوامل دیگر بوده است که کم‌وبیش جزئیات آنها در تواریخ مسطور است. ابن‌جبیر در اواخر خلافت عباسی، بغداد را دارالخلافة عباسی که بیشتر آثار آبادانی خود را از دست داده و جز نام پرآوازه آن چیزی برایش باقی نمانده، وصف می‌کند (ابن‌جبیر، ۱۳۷۰: ۲۶۷)، اما فتح بغداد به دست مغولان مانند سرزمین‌های دیگر آنچنان خرابی و انحطاطی به بار آورد که نه قابل شرح است و نه قابل مقایسه با ویرانی‌های عصر خلفا و تاخت و تازهای غزها و بلایای طبیعی. به گزارش ابن‌فوطی که در ۶۵۶ق ساکن بغداد بود، مغولان بیشتر شهر را به آتش کشیدند و به ویرانه‌ای تبدیل کردند. چهل روز مردان و زنان و کودکان را می‌کشند (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۱۹۵). غیر از کودکانی که در گل و لای انداخته بودند یا در قنات‌ها و چاه‌ها و سرداب‌ها از گرسنگی و ترس جان باخته بودند، از بوی بد اجساد و نوشیدن

آب آمیخته با مردارها، آنان که بازمانده بودند به وبا گرفتار شدند. به گفته وی، شمار کشتگان در بغداد هشتصد هزار تن بود (همان، ۱۹۶). نمی‌توان پذیرفت که این رقم قابل اطمینان باشد (خضباک، ۱۹۶۸: ۵۶)، اما ذکر چنین ارقامی در منابع مختلف (ابن کثیر، ۱۴۰۵/ق/۱۹۸۵م: ۲۱۳/۷-۲۱۵) حاکی از کشتار وسیع مردم بغداد و کاهش جمعیت آن می‌باشد. همچنین فرار بقایای جمعیت و ترک بغداد که در گذشته از جمعیت موج می‌زد، نشان از کاهش چشمگیر جمعیت شهر بغداد به نوع دیگری دارد.

پژوهش حاضر با در نظر داشتن این نکته که پیامدهای هجوم مغول‌ها، مانند هرج و مرج ناشی از سقوط خلافت عباسی و حضور مغولان در بغداد و دسته‌بندی‌های مذهبی، بر ماهیت، ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر بغداد تأثیر گذاشته، در صدد پاسخگویی به این سؤال است که چه ضرورت‌هایی ایلخانان را وا داشت تا بر بازسازی و عمران و آبادانی بغداد اهتمام ورزند؟ و چه علل و عواملی موجب شد تا شکوفایی و پیشرفت این شهر در عصر ایلخانان چندان رضایت‌بخش نباشد؟

به دلیل عدم تألیف اثری مستقل با عنوان یاد شده «ایلخانان و ضرورت‌های بازسازی بغداد» در منابع متقدم و متأخر، در مقاله حاضر از آثار ارزشمند و گزارش‌های تاریخی رشیدالدین فضل‌الله همدانی، علاء‌الدین عظاملک جوینی و وصاف الحضرة که هر سه در خدمت ایلخانان بوده‌اند، بهره بسیار برده است. اثر جوینی که در ۶۵۸ق تألیف شده، حاوی اطلاعات موثقی درباره مسائل مربوط به ساختار اقتصاد شهری است. وی نگاه مثبت مغولان به تجارت و صنعت و اقدامات آنها در جهت آبادانی شهرها را به خوبی گزارش کرده است. از آنجا که وی پس از سقوط بغداد به حکومت آنجا منصوب شد، به‌طور قطع این کتاب منبع ارزشمندی جهت استناد می‌باشد. رشیدالدین فضل‌الله نیز در گزارش برخی وقایع از مطالب جوینی بهره گرفته، اما صدارت و نقش او در اصلاحات غازانی، اثر او را منحصر به فرد ساخته، و وصاف الحضرة که از زیردستان رشیدالدین بوده، در بیان تاریخ عهد ایلخانی دنباله جهانگشای جوینی محسوب می‌شود و در بیان اطلاعات اقتصادی گزارش‌های دقیق‌تری از رشیدالدین ارائه می‌دهد. به دلیل نثر متکلف و صاف، ناگزیر در این مقاله به تحریر تاریخ و صاف به قلم عبدالمحمد آیتی بارها استناد شده است. اثر مهم دیگری که درباره اداره شهر بغداد و مقامات و مناصب و طبقه‌بندی اجتماعی و تأثیر بلایای طبیعی بر روند حیات اجتماعی و اقتصادی شهر بغداد گزارش‌های مفصلی ارائه می‌دهد، کتاب *حوادث الجامعة* اثر

این فوطی است. در میان آثار معاصر نیز از تاریخ مغول اثر اشپولر و عباس اقبال آشتیانی و شهر، سیاست و اقتصاد سید ابوالفضل رضوی و همچنین کتاب العراق فی عهد المغول الایلخانین نوشته جعفر حسین خضباک بهره گرفته شده است.

۱. اهتمام ایلخانان بر رونق و پیشرفت در بغداد

بنابر آنچه که گفته شد، می‌توان تاریخ اجتماعی- اقتصادی بغداد طی استیلای مغول را به ادواری متمایز ساخت. مشخصه دوره اول، زوال و انحطاط عظیم اقتصادی بغداد به دلیل ویرانی‌های حاصل از لشکرکشی هلاکو است (شبر، ۱۴۳۲/۱۱: ۲۰۱۱: ۵۷۳). مشخصه ادوار بعد، پیشرفت در حوزه اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی به دلیل اهتمام ایلخانان بر رونق بغداد همراه با مبارزه قدرت، تداوم ویرانی‌ها، رکود تجاری و اقتصادی بغداد در عصر ایلخانی است و این در حالی است که همه مورخان و سفرنامه‌نویسان متفق القولند که مدینه السلام (بغداد) در آستانه حمله مغول و در عهد خلفا شهری آباد، ثروتمند و باشکوه بوده است (المدور، ۱۴۲۳/۰۳: ۲۰۰۳: ۲۱-۲۸). علاوه بر عمران و آبادی فراوان و آب‌وهوایی بی‌نظیر (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۵)، در بغداد شبکه‌ای از نهرها وجود داشت که در کشاورزی از آنها استفاده می‌شد (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۵۸۶/۲). پادشاهان جهان آرزوی چنان تختگاهی را داشته‌اند (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۲۱). از ابتدای بنای بغداد توسط منصور در قرن دوم قمری/ هشتم میلادی (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۹-۶)، اهتمام وی بر عمران و آبادانی بغداد به عنوان مرکز خلافت در کتب معتبر تاریخی به تفصیل بیان شده است. احداث چهار دروازه باشکوه (همان، ۱۰)، آبادانی و احداث عمارات بسیار در جانب غربی بغداد (کرخ) توسط او (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۲۱)، توسعه بغداد به جانب شرقی توسط مهدی و ارتباط کرخ و رصافه به وسیله یازده پل، سنگفرش بغداد، مساجد، برزن‌ها، بازارها با هزینه‌های بسیار (ابن اثیر، ۱۳۸۰: ۱/۸: ۳۴۶؛ بلاذری، ۱۳۶۴: ۵۵) و توسعه بغداد توسط هارون که به گفته مستوفی «شهر را به مرتبه‌ای رسانید که طولش چهار فرسنگ و عرض یک فرسنگ و نیم عمارت و احواش بود» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۳). دولت‌هایی از اطراف مانند آل بویه، سلجوقیان و دولت خوارزمشاهی به قصد آنان سر برداشتند (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۲۱)، اما گزارش‌های تاریخی نشان دهنده عمران بغداد توسط امیرالامرایان (آل بویه) (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۴۶؛ ابن عبری، ۱۳۶۴: ۲۳۸؛ میرخوند، ۱۳۷۳: ۶۱۸)، احداث بیمارستان و مسجد و ترمیم شکستگی پل‌های رود فیل و بادوریا (مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۲۱۰/۶، ۲۱۱، ۲۳۱، ۲۳۸، ۳۲۹) و همچنین تلاش خلفای عباسی دیگر (التمیمی،

۱۴۳۶/۲۰۱۵: ۳۰۲) مانند خلیفه الناصر لدين الله (۵۷۵-۶۲۳ق) در اعتلای بغداد (همدانی، ۱۳۷۳: ۴۹۹/۱) است. براساس این گزارش‌ها و نیز گزارش میرخوند که «در زمان المستعصم (۶۵۶-۶۴۰ق) شهر بغداد به نهایت آبادانی رسیده بود و اسباب رفاه و تنعم از هر جهت فراهم بود و کثرت اموال و ذخایر خلیفه زبازد خاص و عام بود» (میرخوند، ۱۳۷۳: ۸۹۱)، شکوه و عمران بغداد در مقایسه با گذشته، به خصوص دوران اقتدار خلفای عباسی ناچیز بوده و در صحت گزارش ابن جبیر که می‌گوید در اواخر خلافت عباسی، بغداد بیشتر آثار آبادانی خود را از دست داده است (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۶۷)، تردیدی نمی‌ماند. البته لشکرکشی مغولان چنان انحطاط عظیمی به بار آورد که در مدت کوتاهی موجب سقوط نیروهای تولیدی و در عوض افزایش میزان اقطاعات نظامی و نفوذ سران نظامی چادرنشین در بغداد شد.

۱-۱. احداث و نوسازی بغداد

هرچند استیلای مغول در اوایل موجب ویرانی آبادی‌ها و خرابی عمارات و ابنیه شد، اما به تدریج پس از فروکش کردن موج فتوحات، آنها به منظور اداره ممالک مفتوحه، محکوم حکم آداب رعایای مغلوب خود شدند و مثل آنان به قبول اقامت در پایتخت و تأسیس ادارات و انتخاب وزرا و عمال دیوانی در گرد خود مجبور شدند (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶: ۵۶۴/۱)، به‌طور قطع به همین دلیل است که هلاکوخان فاتح مقتدر بغداد، پس از پیروزی درصدد مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش برآمد و درصدد بود از علما که آنها را در مدرسه مستنصریه بغداد گرد آورده بود، برای حکومت خود فتوا بگیرد (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۱۹).

بعدها غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ق) نیز در محافظت و دفع ظلم از رعایا پس از توییح امرای ظالم گفت: «من جانب رعیت تازیک نمی‌دارم و اگر مصلحت است تا همه را غارت کنیم، بر این کار، از من قادرتر کسی نیست؛ به اتفاق بغارتیم، لیکن اگر من بعد تغار و آش توقع دارید و التماس نمایید، با شما خطاب عنیف کنیم و باید که شما اندیشه کنید که چون بر رعایا زیادتی کنید و گاو و تخم ایشان و غله‌ها بخورانید، من بعد چه خواهید کرد؟» (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۴۴۳/۲) و خطاب به مردم گفت: «باید که رعیت ایل از یاغی پیدا باشد و رعایای ایل از او ایمن باشند» (همان، ۱۴۴۴) و بدین ترتیب به مردم چنین تفهیم کرد که اینک «دوران جهانداری» فرا رسیده است و اگر خیالات خام در سر نیروانند، بار دیگر شهرها را آباد خواهند یافت (الامین، ۱۴۱۴/۱۹۹۳: ۳۳۷-۳۴۱). هلاکوخان به منظور اینکه شهر بغداد هرچه زودتر حالت عادی خود را از سر گیرد (شبر، ۲۰۱۱/۱۴۳۲: ۵۷۸-۵۸۰)، در همان

روز قتل مستعصم (خضابک، ۱۹۶۸: ۶۶) فرمان داد تا بازارها را بکشایند، خیابان‌ها و میدان‌ها را از اجساد مردگان، چه انسان و چه چهارپا پاک کنند. شبکه‌های آبیاری، نهرها و آبادی‌های اطراف را که طی جنگ‌ها منحرف شده و یا از اجساد و آلات پر شده بود، ترمیم و لایروبی کردند (جوینی، ۱۳۸۲: ۲۹۲/۳). چون خان قصد خروج از بغداد را داشت، با رصد کامل رجال، توانمندترین افراد را جهت تفویض مناصب برگزید و از این پس بغداد و عراق تحت کنترل مدنی و مالی ایرانیان قرار گرفت؛ هرچند که آنها به‌طور اساسی تحت فرماندهی نظامی مغول بغداد بودند. یکی از ایرانیانی که در دولت بغداد شرکت داشت، ریاضی‌دان و فیلسوف مشهور خواجه نصیرالدین طوسی بود که ضمن بازدید از شهر و بررسی وضعیت سربازان و بردگان، بازرسی و سازماندهی اوقاف، پرداخت حقوق ماهانه و حقوق بازنشستگی حقوق‌دانان، معلمان و صوفیان، کتب اوقافی زیادی از کتاب‌های مربوط به رصدخانه را که در بغداد بود، به مراغه منتقل کرد (ابن کثیر، ۱۹۸۵/۱۴۰۵: ۲۲۸/۷). ایرانی دیگری که برای رفاه عراق و احیای بغداد سخت تلاش کرد، علاءالدین عظاملک جوینی بود که توسط هلاکو به حکومت بغداد منصوب شد. وی در زمان اندکی بغداد را که با کشته شدن مستعصم خراب و ویران شده بود، آبادان کرد و در زمین نجف نهری حفر کرده و از بابت آن صدهزار دینار سرخ هزینه کرده بود تا آب فرات را که آبی شیرین بود، به کوفه آورد و بدین واسطه وضع زراعت را سروسامانی داد (آیتی، ۱۳۸۳: ۴۲). خان مقام‌ها را بین بزرگان و سیاستمداران تقسیم کرد. «عمادالدین عمر قزوینی را با حفظ سمت نیابت شحنگی، نائب امیریوقا کرد. او مسجد جامع خلیفه و مشهد موسی الجواد(ع) را که در اثر منازعات مذهبی ویران شده بود، ترمیم نمود» (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۱۹/۲) و ایلکای نویان و قراوقا نویان، از فرماندهان بزرگ خود را با سه‌هزار سوار مغولی در بغداد گذاشت تا امور ترمیمی و آبادانی شهر را زیر نظر بگیرند و به کارها سامان دهند (همان، ۱۰۱۹).

بنا بر گزارش ابن فوطی، علاءالدین صاحب‌دیوان در ۶۶۵ق بیرون بغداد قصری با بستان بزرگ و نخل‌ها و درختان میوه بنا کرد (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۱۳) و در ۶۶۸ق در پایین سد مدرسه مستنصریه، دولابی ساخت که آب را از دجله می‌گرفت و به راه آبی می‌رسانید. سپس آب از زیر زمین جریان می‌یافت تا به برکه‌ای که در صحن مدرسه ساخته بود می‌ریخت (همان، ۲۱۸). در ۶۷۰ق مناره «جامع الخلیفه» را تجدید بنا کرد و در جایی به نام «المؤمن» دیوانی و مسجدی و کاروان‌سرای و حمامی و بازاری احداث کرد (همان، ۲۲۱). در ۶۷۱ق

همسر عظاملک در مجاورت آرامگاه عبیدالله، رباطی بنا کرد و مدرسه‌ای ساخت که به نام این بانو «عصمتیه» نامیده شد (همان، ۲۲۲). البته در زمان ایلخان اباقا (۶۶۳-۶۸۰ق) بغداد و فارس به «سونجاق نویان» سپرده شد، اما همچنان عظاملک جوینی چون گذشته به نیابت وی حکومت عراق عرب را داشت (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۰/۲-۱۳۷۵) و به منظور عمران بغداد نهرهایی را که به دلایل شرایط جوی و وقوع سیلاب ویران شده بود (رشیدوو، ۱۳۶۸: ۲۱۹-۲۴۷)، به جریان انداخت (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۴۴). به گزارش رشیدالدین، غازان خان نیز در طول حکومت خود، با اقدامات تشویقی همچون دادن بذر به کشاورزان، ایجاد کاریزها و قنوات و حمایت و نظارت بر سیستم آبیاری، کوشید تا حمایتی همه‌جانبه از کشاورزان به عمل آورد (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۰/۲-۱۳۷۵). همچنین می‌گوید: «غازان خان اقدامات وسیعی را برای احیای شبکه‌های آبیاری انجام داد و نهرها و کاریزهای متعددی را جاری گردانید. از جمله این نهرها، دو نهر بزرگ در منطقه بین‌النهرین معروف به نهر غازانی اعلی و سفلی بود که آب را از رود فرات به کربلا می‌برد و باعث شد تا تمام حوالی این منطقه آباد و مزروع شود و باغ و بستان در اطراف آن پدید آید» (همان، ۱۳۷۱). بنا بر گفته رشیدوو، این که در زمان حکومت غازان خان تا پایان حکمرانی ایلخانان، جاری شدن هیچ سیلی گزارش نشده است، به روشنی بدان معناست که نظام آبراهه‌ها از آن به بعد مرتب شده و به کار افتاده بود (رشیدوو، ۱۳۶۸: ۲۴۶). ابن فوطی گزارش منحصر به فردی ارائه می‌دهد که در ۶۷۹ به فرمان جوینی و به همت استادکاران بغدادی پلی متحرک ساختند و آن را (با زنجیرها و آلات) جهت نصب به شوستر بردند و در پایین بند نزد دروازه دزفول نصب کردند (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۱۹۷). همچنین «احداث بنای مشهد عبدالباهر که از اولاد امام حسن (ع) بود، با آجر و گچ و ضریح و تعیین دربان و خادم و امام جماعت و مؤذن برای آن» (همان، ۲۲۳) و ده‌ها مورد دیگر اعم از احداث معابد بودایی، بت‌خانه‌ها، کلیساها و کنیسه‌ها و همچنین احداث تعمیر خانقاه‌ها مانند رباط مستنجد و رباط مرزبانیه (همان، ۱۹۷) و خانقاه غازان خان که در بغداد ساخته بود (بیانی، ۱۳۶۷: ۶۷۰/۲). و صاف در شرح آبادانی بغداد در عصر ایلخانان می‌گوید: «در سال ۶۹۶ که راوی این روایت به آن دیار رسید، با آنکه از آبادانی آن عشری نمانده بود، باز از حیث کثرت عمارات و قصور و اماکن و ترتیب و زینت، نسبت به شهرهای بزرگ دیگر چون فردوس عدن می‌نمود» (وصاف الحضرة، ۱۳۶۸: ۳۳۴/۴).

سیاحان و جهانگردانی نظیر ابن جبیر و ابن بطوطه که قبل و بعد از استیلای مغول از بغداد

دیدن کرده‌اند، به ما خبر می‌دهند که: «بغداد به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌شود. آبادانی جانب شرقی جدید است و هرچند ویرانی بر این بخش نیز چیره شده، هنوز هفده محله دارد که هر محله شهری مستقل محسوب می‌شود و در هر محله دو یا سه گرمابه هست و هشت محله دارای مسجدهای جامع است که نماز جمعه در آنها برگزار می‌شود. بزرگ‌ترین محله قُریه است. محلهٔ دیگر کرخ است که خود شهری است با دیوار و بارو. آن‌گاه محلهٔ باب البصره ... و محلهٔ شارع ... بین شارع و دروازهٔ بصره بازار و بیمارستان قرار دارد» (ابن جیبر، ۱۳۷۰: ۲۷۵-۲۷۷). در همین مورد بازمی‌خوانیم که: «در قسمت شرقی دجله بازارهای بسیار است که در آن بخش، سه مسجد جامع هست که در همهٔ آنها نماز جمعه گزارند. شمار مساجد آدینهٔ شهر بغداد، جمعاً یازده مسجد است. اما تعداد گرمابه‌های آن شهر به شمار درنگنجد. گویند دوهزار گرمابه که به علت فزونی قیر در این منطقه بام بیشتر آنها را به قیر اندوده‌اند» (همان، ۲۷۸-۲۷۹). در گزارش ابن بطوطه نیز علاوه بر آنچه که ابن جیبر آورده، آمده است که: «مدرسهٔ نظامیهٔ بغداد که از حیث زیبایی بی‌نظیر است، در وسط بازار در قسمت شرقی قرار دارد و مدرسهٔ مستنصریه از بناهای المستنصر بالله در آخرین بازار واقع شده است. در داخل هر یک از مدارس یک وضوخانه و یک حمام برای طلبان وجود دارد» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۷۵/۱).

۱-۲. توجه ایلیخانان بر بهبود صنعت و هنر در بغداد

همان‌طور که اشاره شد، آبادانی و احیای دوبارهٔ بغداد از همان آغاز حکومت هلاکو آغاز شد و اقدامات عظاملک در این شهر نقش مؤثری داشت. از ویژگی‌های قابل توجه عصر ایلیخانان، بهبود نسبی در زمینهٔ صنعت و هنر به‌ویژه صنایع و حرفی نظیر اسلحه‌سازی، خوشنویسی و صنعت نساجی به‌ویژه پارچه‌های زربفت بود که مورد توجه مغول‌ها بود. در جریان حملات چنگیز و هلاکو، بارها منابع از توجه چشمگیر مغول‌ها به صاحبان فنون و صنایع در راستای تأمین نیازهای معیشتی و تدارکات نظامی مغول‌ها گزارش کرده‌اند. در عصر استیلای سلسلهٔ ایلیخانان، به‌طور قطع آهنگ رشد صنایع و تجارت در تمامی مراحل حکومت ایلیخانان به یک حد و اندازه نبود و همهٔ مناطق در این عرصه از شرایط یکسانی برخوردار نبودند. در این میان، بغداد در کنار ماهیت تجاری و مرکزیت سیاسی حکومت ایلیخانی، در تقابل با ممالیک مصر و حضور عناصر کاردان در ادارهٔ این شهر، رشد صنعتی قابل ملاحظه‌ای داشته است. سید ابوالفضل

رضوی که به صورت جداگانه دربارهٔ رشد صنایع در عهد ایلخانان پژوهش کرده است، به نقل از مارکوپولو از اهمیت تجاری و صنعتی شهر بغداد می‌گوید: «تمام مرواریدهایی که از کشور هندوستان به سرزمین‌های مسیحیان صادر می‌شد، در بغداد آماده و پرداخته می‌شد و میان بغداد و خلیج فارس از طریق دجله ارتباط برقرار بود» (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

همان‌گونه که قبل از تهاجم مغولان نظارت بر کارگاه‌های تولیدی از سوی حکومت‌ها وجود داشت، هلاکو نیز از همان آغاز استقرار خود، در مورد فعالیت این کارگاه‌ها اهتمام ویژه‌ای به خرج داد. وی پس از فتح بغداد، در کنار «علی بهادر» که او را به شحنگی «ارتاقان» (شریک، سهمیم در بازرگانی) و «اوران» (صنعتگران و صاحبان حرف) نامزد کرد، فردی به نام «ابن‌دریوس» (درنوس؟) را نیز به سمت خازن کارخانه منصوب کرد (جوینی، ۱۳۸۲: ۲۹۲/۳). از این اقدام چنین برمی‌آید که یا هلاکو دستور به تأسیس کارخانه‌هایی در شهر بغداد داده و یا از زمان بنی‌عباس چنین کارخانه‌هایی وجود داشته و اکنون تحت نظر حکومت مغول درآمده است و همین‌طور آشکار می‌شود که در این دوره میان صنعتگرانی که در بازار و برای خود کار می‌کرده‌اند با آنهایی که در کارخانه‌های حکومتی مشغول بوده‌اند، تفاوت بوده است. انتصاب علی بهادر در رأس امور ارتاقان و اوران و ابن‌دریوس به سمت خزانه‌داری کارخانه‌های بغداد، دلیل این موضوع است (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۶۵-۳۶۶). عباس اقبال نیز در کتاب تاریخ مغول بر نقش حکام مسلمان در توسعهٔ صنعت در بغداد اشاره کرده و گفته است: «در عهد حکومت عظاملک جوینی کارخانجات بغداد به واسطهٔ تشویق او اعتبار و شهرت یافت. یک قسمت عمده از هدایای تقدیمی وی به دربار ایلخان، پارچه‌های زربفت قیمتی کارخانجات بغداد بود (اقبال، ۱۳۷۶: ۵۵۹/۱). رضوی ضمن تأیید این امر می‌افزاید کارخانهٔ فردوس بغداد اهمیت زیادی داشته و به احتمال زیاد سابقهٔ آن به اقدامات عصر هلاکو و فعالیت‌های عظاملک جوینی برمی‌گشت. ترقی موقعیت خواجه تاج‌الدین علیشاه در زمان الجایتو، از سرپرستی همین کارخانه‌های بغداد آغاز شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۶۹). از آنجایی که بسیاری از صنعتگران کارخانهٔ فردوس بغداد به کارخانهٔ فردوس سلطانیه منتقل شدند، و صاف در شرحی که عظمت کارخانهٔ فردوس بغداد را نیز در خود دارد، کارخانهٔ فردوس سلطانیه را چنین توصیف می‌کند: «... به توفیق ارادت بیچون و میامن دولت روزافزون پادشاه ... عمارت کارخانهٔ فردوس و دیگر اماکن ... به تمام پیوست و چهارهزار نفر صنایع بدیع صنعت دقیق حرفت با اهل و سکن از بغداد بر سیل طوع و رغبت به آنجا نقل فرمود و

اصطحال مبنی بر سیصد گز طول و صد گز عرض در پیشگاه آن به سنگ‌های مرمر محجر ساخت» (وصاف الحضرة، ۱۳۸۸: ۳۳۵/۴-۳۳۶).

در عهد الجایتو اهمیت کارخانجات نساجی بغداد تا آنجا رسیده بود که خواجه سعدالدین ساوجی برای دور کردن رقیب خود یعنی تاج‌الدین علیشاه از حضور ایلخان، او را که داعیه وزارت داشت، به ریاست کارخانه‌های بغداد فرستاد و علیشاه به زودی چنان امور کارخانجات را مرتب کرد که پیش از او کسی آنها را به آن خوبی اداره نکرده بود و در مدتی قلیل در آنجا پارچه‌هایی تهیه کرد که تا آن زمان نظیر آنها از جهت نظافت و گرانبهایی فراهم نشده بود (اقبال، ۱۳۷۶: ۵۵۹/۱). در آن زمان پارچه‌های ابریشمی و زربفت به نام «بغدادی» مشهور بود و تجارت هند و خلیج فارس بدان اختصاص داشت (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۰۹/۱). خط و تذهیب نیز در زمان ایلخانان به اوج کمال رسید. جمال‌الدین یاقوت مستعصمی (متوفای ۶۹۷ق/ ۱۲۹۹م) چهره برجسته خوشنویسی این عصر، در پرتو توجهات عظاملک جوینی تحولات شگرفی در این هنر به وجود آورد. ایجاد کارگاه خوشنویسی در بغداد توسط عظاملک، سرمشق دیگر دولتمردان ایلخانی در بنای چنین کارگاهی بوده است (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۶۲).

۲. علل و زمینه‌های توجه ایلخانان بر بازسازی و رونق شهر بغداد

روند ترمیم ویرانی‌های ناشی از حملات مغول و اصلاح نابسامانی‌ها، از زمان اوگتای قاآن (حکومت: ۶۲۴-۶۳۹ق) اولین جانشین چنگیز آغاز شده بود و در دوران حاکمیت ایلخانان اقدامات عمرانی دیگری برای بهبود اوضاع صورت گرفت. از آن جمله می‌توان به توصیه‌های منگوقاآن به هولاکو مبنی بر آباد کردن ویرانی‌ها در ایران، ساختن عمارات، باغ‌ها و ایجاد آبادانی در توس توسط ارغون‌آقا (حکومت: ۶۴۱-۶۵۴) (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۰/۲)، عمارت‌سازی هولاکو در ارومیه و مراغه (همان، ۱۰۴۸) و بازسازی قوچان و احیای آن شهر به دست هولاکو (همان، ۱۳۷۱) اشاره کرد. ترمیم ویرانی‌ها توسط جانشینان و سرداران چنگیز پس از تسخیر و خرابی بلاد و تأسیس عمارات و ابنیه (اقبال، ۱۳۷۶: ۵۶۳/۱)، بارها گزارش شده است. در این میان، عمران و آبادانی بغداد علل و دلایل خاص خود را دارد که در ادامه به ذکر آنها خواهیم پرداخت.

۱-۲. موقعیت سوق الجیشی و ماهیت تجاری شهر بغداد

براساس اسناد و مدارک تاریخی، موقعیت سوق الجیشی بغداد علت گزینش این شهر توسط منصور بوده است (العبادی، ۱۹۷۱: ۵۴). براساس این منابع، وی پس از جست و جو و مشورت های دقیق، با توجه به ملاحظات نظامی، اقتصادی و اقلیمی بغداد را که در دشتی حاصلخیز واقع بود و در آنجا کشت و زرع در دو سوی رودخانه رونق داشت (التمیمی، ۱۴۳۶/۲۰۱۵: ۳۰۱) برگزید؛ زیرا بغداد از یک سو بر سر راه خراسان و از سوی دیگر بر سر راه کاروان های تجاری مصر و شام و بادیه و همچنین ارمنیه، آذربایجان، دیاربکر و جزیره واقع بوده و محل تلاقی راه های کاروان رو بوده است؛ به همین دلیل محصولات چین از راه دریا و محصولات موصل و روم از راه دجله به آنجا وارد می شد و بازارهای ماهانه در آن محل تشکیل می شد. بنابراین می توان پیش بینی کرد که در بغداد پیش رو (به عنوان پایتخت خلفای عباسی) آذوقه برای ارتش و مردم به وفور به دست آید. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۶۵/۱؛ طبری، ۱۳۶۳: ۴۸۷/۱۱). مستوفی تاریخ شروع کار این بازار را از ابتدای رونق شهر دانسته (مستوفی قزوینی، ۱۳۷۸: ۷۲) و خطیب بغدادی قدمت آن را در ایام مملکت العجم می داند (خطیب بغدادی، [بی تا]: ۲۶/۱) و «هر ساله بازرگانان در آن به دادوستد می پرداختند» (دینوری، ۱۳۶۶: ۱۴۷). غارت بازار بغداد هنگام فتح مدائن در جریان فتوحات اعراب مسلمان (بلادری، ۱۳۶۴: ۴۲) و اینکه قبل از بنای بغداد هنوز دهکده کهن و بازار آن برقرار بوده است (دینوری، ۱۳۶۶: ۲۵۰، ۴۱۰، ۴۲۴؛ یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۵۸۸/۱)، شواهدی بر قدمت بغداد قبل از تأسیس شهر به عنوان پایتخت در زمان منصور می باشد. با برخورداری از چنین ویژگی های ممتاز و قدمت تاریخی بوده است که بغداد به عنوان پایتخت قلمرو حکومت اسلامی و بازار کالا از حیث فعالیت های اقتصادی و کثرت جمعیت، پیش از حمله مغول بسیار پررونق بوده و تمام مردم دنیا را به خود جذب می کرد (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۴). ابن بطوطه که در اواخر عصر ایلخانی بغداد را دیده، از رونق بازارهای بغداد یاد کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۱۹/۱). رضوی به نقل از *سفرنامه مارکوپولو*، از رونق تجاری عراق عرب و بازار پررونق بغداد در زمان ایلخانان یاد کرده و از کالاهای تجاری که از خلیج فارس و از طریق دجله به بغداد وارد می شد، سخن گفته است. چنان که پیشتر نیز گفته شد، آماده و پرداخته کردن مرواریدهایی که از هندوستان وارد بغداد می شد و از بغداد به اروپا صادر می شد نیز توجه وی را جلب کرده است (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۳۴). لذا می توان گفت یکی از

دلایلی که هلاکوخان و جانشینانش را بر اهمیت بغداد واقف کرد، موقعیت سوق الجیشی بغداد بوده که سبب شد هلاکوخان پس از استقرار در مراغه، بغداد را به عنوان پایتختی مهم و قشلاقی برگزیند و در سراسر عصر ایلخانی در کنار پایتخت‌های دیگر و اردوگاه‌های تابستانی و زمستانی همچون ارژن، قراباغ، اوجان، سلطانیه، همدان، نیم مردان و تبریز، به عنوان پایتخت قشلاقی حفظ شد (اقبال، ۱۳۷۶: ۵۶۲/۱).

۲-۲. تقابل با ممالیک و سیاست دستیابی به دریای مدیترانه و ممالک اروپایی

شاید انتخاب چندین اقامتگاه توسط ایلخانان، متأثر از رسم ایلیاتی مغول در رفتن به قشلاق و بیلاق بوده باشد (اقبال، ۱۳۷۶: ۵۶۲/۱)، اما اهتمام تمامی ایلخانان بر عمران بغداد دلایل مهم سیاسی داشته است. ایلخانان ناگزیر بودند پیوسته توجه خاص به مرزهای جنوب غربی قلمرو خود، یعنی سرحد فرات معطوف دارند (اشپولر، ۱۳۷۴: ۶۸-۶۹)؛ زیرا گریز برخی از بستگان مستعصم (۶۴۰-۶۵۶ق) آخرین خلیفه عباسی پس از قتل وی و سقوط بغداد به مصر و شکل‌گیری بساط تازه خلافت عباسی در پناه ممالیک مصر که تا سال ۹۲۷ق ادامه داشت، سبب پشت‌گرمی امرای مملوک مصر در سایه حمایت معنوی خلفای عباسی دست‌نشانده شده و پیشروی‌های مغولان جهت تسخیر فلسطین را مسدود کردند و بیشتر مغولان را در «عین جالوت» به قتل رساندند (همان، ۵۹-۶۲). متوقف شدن پیشروی‌ها که تا حد زیادی به تحولات سیاسی دربار خان بزرگ ارتباط داشت، منجر به تقابل دائمی ایلخانان با ممالیک به منظور تسلط بر تمامی جهان اسلام و پیشروی به سمت غرب جهت دستیابی به دریای مدیترانه و ممالک اروپایی شد و در این میان، موقعیت استراتژیک و ماهیت تجاری بغداد، ایلخانان را از ابتدا بر موقعیت ممتاز این شهر به علت قابلیت‌های گوناگون آگاه کرد و ضرورت‌های تقابل با ممالیک و لشکرکشی به جانب شامات و مصر، اهمیت بغداد را در تأمین سپاه و آذوقه لشکر مضاعف ساخته بود. لذا می‌توان گفت ایلخانان باید هرچه زودتر به ترمیم ویرانی‌ها و نوسازی بغداد به عنوان پایگاهی جهت فتوحات بعدی در شرق مدیترانه و حکمرانی بر جهان اسلام در شأن یک پایتخت مقتدر مغول در تقابل با قاهره و دمشق بپردازند. آنچه ایلخانان را به پیکار با مصریان ترغیب می‌کرد، فقط کسب قدرت نبود، بلکه این اعتقاد بود که سوریه و فلسطین طبیعتاً از نظر جغرافیایی و سیاسی با مصر مربوط است؛ لذا باید بر دره‌های نیل نیز فرمانروا باشند و یا از دست یافتن به دریای آزاد در سواحل سوریه صرف‌نظر کنند. (همان، ۶۴). شاید برقراری ارتباط نزدیک با اروپا، در تعیین انتخاب بغداد به

عنوان پایتخت دخیل بوده است (اشپولر و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

البته لازم به یادآوری است که دستیابی به مدیترانه و مصر، مأموریت هلاکو بوده است که از ابتدا بر فتح بغداد و پیشروی تا مصر تعریف شده بود. آنچه انگیزه این مأموریت پس از فتح بغداد را بیشتر می‌کرد، انتقال پایتخت معنوی جهان اسلام از بغداد به مصر توسط ممالیک مصر و حمایت از خلفای دست‌نشانده عباسی بود که موجب اهمیت بغداد در نظر ایلخانان و نیز سیاست نزدیکی با دول اروپایی جهت مقابله با ممالیک مصر شد. بر همین اساس، در کنار مقابله‌های نظامی، محاصره تجاری ممالیک در خلیج فارس نیز صورت گرفته بود. چگونگی اجرای این طرح نقشه مبلغان مسیحی بود. شخصی به نام «گیوم آده» به زمامداران اروپایی پیشنهاد داده بود که باید ناوگانی در خلیج فارس یا دریای هند متمرکز کرد و جلوی کشتی‌هایی را گرفت که از هند و خاور دور کالا به مصر می‌برند و به جای هزینه گزاف لشکرکشی، با صرف هزینه اندک از نیروی دزدان دریایی بهره برد. بار دیگر؛ «مارینو سانودو» بر اجرای این طرح تأکید کرد و ارغون درصدد بود این فکر را اجرا کند. ارغون (۶۸۳-۶۹۰ع) در سال ۶۹۰ع به کمک نهصد بازرگان ژنوایی شروع به ساخت کشتی‌هایی کرد تا پس از آماده‌سازی، از طریق دجله به خلیج فارس بروند و با بستن دهانه دریای سرخ در نزدیکی عدن، مانع از برقراری روابط تجاری اقیانوس هند و خلیج فارس با مصر و شام شوند (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۰۲/۱). در جنوب غربی، فرمانروایان مملوک راه ایلخانان را به سوی دریا بسته بودند و راه‌های آسیای صغیر و ارمنستان صغری که غیرمستقیم به روی آنان باز بود، کفایت نمی‌کرد (اشپولر، ۱۳۷۴: ۶۴)، در حالی که براساس اسناد و شواهد تاریخی، یکی از اهداف اصلی چنگیزخان در حمله به ممالک خوارزمشاهی، افتتاح راه تجارتي بین مغولستان و آسیای غربی بود و جانشینان او نیز همه در رعایت این اصل و حفظ امنیت و رعایت حال تجار نهایت جهد را به کار می‌بردند (اقبال، ۱۳۷۶: ۱/۵۶۶-۵۶۷). با این مقدمه، به نظر می‌رسد که عامل نگرش اقتصادی و تجاری ایلخانان و امنیت راه‌ها و جاده‌های تجاری در کنار موقعیت استراتژیک بغداد و تقابل با ممالیک، در رونق و آبادانی بغداد در عصر حاکمیت ایلخانان تأثیرگذار بوده است.

۲-۳. نگرش اقتصادی-تجاری ایلخانان مغول و نیاز به درآمد ناشی از صادرات

رونق تجاری و پیشرفت شهر بغداد علاوه بر ماهیت تجاری (القدسی، ۱۹۸۸: ۳۶۹) آن و

انگیزه‌های سیاسی، تابعی از رونق وضعیت تجاری قلمرو خانان مغول از خانبالیغ و چین گرفته تا بلاد ماوراءالنهر و خراسان و تبریز و بغداد و سلطانیه بوده است. اولین نمود توجه جدی هولاکو خان به تجارت، در ماجرای فتح بغداد دیده می‌شود. بازرگانان از جمله کسانی بودند که هولاکو با نوشتن یرلیغ آنها را به جان امان داد و هنگام فتح از قتل و غارت معاف شدند. ابن‌عبری به صراحت اشاره می‌کند که قصد منگو از اعزام قوبیلای و هولاکو به شرق و غرب امپراتوری مغول با انگیزه‌های اقتصادی بوده است (ابن‌عبری، ۱۳۶۴: ۳۳۸).

توجه به تجار و بازرگانان از سوی مغولان از آغاز تهاجمات و فتوحات، نه تنها در راستای تأمین نیازهای معیشتی، بلکه در زمینه جمع‌آوری اطلاعات و آگاهی از احوال دیگر ملل نیز مورد توجه بوده است؛ تا آنجا که بخش زیادی از اطلاعات چنگیز در مورد قدرت‌های همسایه، توسط تجار فراهم می‌آمد (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۷۳) و چنگیز خان حمایت طبقه تجار را ضامن فتوحات خود می‌دانست (لوی عباسی، ۱۳۳۴: ۴۱)؛ به همین دلیل برای بازرگانان شرایط بسیار مناسبی فراهم کرد و به آنان امنیت کامل در زمینه کارشان داد (اشپولر، ۱۳۷۴: ۴۲۹).

در نتیجه می‌توان گفت به دلیل اهمیتی که مغول‌ها برای تجارت قائل می‌شدند، بر ایجاد امنیت و ثبات مسیرهای تجاری اهتمام داشتند و زمینه برای رونق راه‌های تجاری که از زمان گذشته وجود داشت، فراهم بود (لوی عباسی، ۱۳۳۴: ۳۴) و در این میان، ترمیم و عمران راه‌های بازرگانی که به بغداد می‌رسید، علاوه بر کسب درآمدهای ناشی از صادرات و واردات که برای ایلخانان بسیار مهم می‌نمود، جهت تسهیل در انتقال نیروهای جنگی برای فتوحات بعدی، به‌خصوص در تقابل با مصر و شام و شرق مدیترانه بوده است و اینک که مغولان بغداد را از آن خود می‌دانستند، می‌خواستند از ظرفیت‌های موجود بغداد جهت تأمین خواسته‌های متفاوت خود بهره بگیرند و خزانه خود را غنی سازند.

بغداد که از گذشته محصولات تجاری، نظیر احجار کربمه و یاقوت، آبنوس و عنبر و محصولات زراعی، مانند درخت پرتقال و لیمو و غیره را از هند، چین، مرو، خراسان، اهواز و ارجان وارد می‌کرد و به صادرات لباس‌های پنبه‌ای و دستمال‌های ابریشمی، ظروف شیشه‌ای و سفالی، مواد فلزی و نیز دارو اهتمام داشته است (الضلاعین، ۲۰۰۹، ۶۱۹-۶۲۹)، در عصر ایلخانان نیز به واسطه درآمد صادرات و دادوستدهای ترانزیتی، با وجود نرخ‌های بالای مالیات (تمغا) پس از فتح مغول توانست خرابی‌های گذشته را جبران کند و حتی پیشرفت کند و

روتق یابد.

ابن بطوطه از صادرات فرش‌های مخصوص و بی‌نظیر و بافته شده از پشم گوسفند به عراق یاد می‌کند و می‌گوید: «گمشخانه دارای معادن بزرگ نقره و محل رفت‌وآمد تجار عراق بود» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۳۵۲/۱). وی همچنین از نوعی جامه‌های «کمخا» (پارچه‌های ابریشمی زربافت) که در بغداد تولید می‌شدند، یاد کرده است (همان، ۳۵۴-۳۵۶).

غالباً تجار خارجی در تبریز و بغداد منسوجات موصل را می‌خریدند و به خارج صادر می‌کردند، مانند یک قسم قالی و پارچه‌ای از نوع «الیجه» که مشهور عالم بوده است (اقبال، ۱۳۷۶: ۵۶۰/۱) و یا تولید ابریشم و دبیت‌های گلدار و زربفت در بغداد (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۵۲). باید گفت که صنعت پارچه‌بافی در بغداد قدمت داشته است. برای نمونه، به گزارش مقدسی در قرن چهارم اشاره می‌کنیم؛ «در آنجا حصیرهای زیبا و خرمای عالی دارند. در بغداد لنگ و دستار عالی و دستمال‌های قیصری می‌سازند» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۷۸-۱۷۹)؛ و نیز قدمت صنعت مروارید که همچنان در عصر ایلخانی فعال بوده است. حمدالله مستوفی از نمونه‌های صنایع فعال در بغداد، به صنعت مروارید اشاره می‌کند و می‌گوید: «مرواریدهای صید شده از کیش و خارک و هرمز را جهت آماده شدن و صدور به این شهر می‌آوردند» (مستوفی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

۳. علل و زمینه‌های ویرانی و رکود تجاری شهر بغداد در عصر ایلخانی

با وجود سیاست ایلخانان که اهتمام بر روتق و آبادانی بغداد را داشتند، علل و عوامل متعددی سبب شد شکوفایی بغداد چندان رضایت‌بخش نباشد و سیر نزولی بغداد تا پایان عصر ایلخانی همچنان پایدار و فزاینده تداوم یابد. اولین عامل را می‌توان شرایط جوی خاص شهر بغداد دانست که با سست شدن پایه‌های اقتدار سیاسی و سوء مدیریت، آثار ویرانگر خود را بیشتر نشان می‌داد.

۳-۱. شرایط اقلیمی و جوی

مورخان هوای بغداد را نامناسب وصف کرده‌اند، اما هم آنان در گزارش‌های متعدد از شکوه و عظمت اقتصادی و فرهنگی و نیز اعتلای کم‌وبیش بغداد یاد کرده‌اند. به گفته مورخان «هوای بغداد رقیق است و زود عوض می‌شود، چه بسا در تابستان گرم و سوزان می‌شود ولی به زودی

خنک می‌گردد» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۷۳) و به گزارش مسعودی: «در عراق اگر بروزهای بوارج باد، دوام یابد و با آید. در بغداد اگر باد شمال از بالای دجله وزد ابرها را ببرد و اگر باد جنوب در بغداد از پایین دجله وزد دجله طغیان کند و ابر و باران فراوان شود» (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۹). بدین ترتیب، وقوع سیلاب‌ها و نزول باران و نابسامانی اوضاع شهر بغداد به دلیل شرایط جوی، از بدو تأسیس شهر بغداد امری رایج بوده است و با تکیه بر منابعی چون *حوادث الجامعه ابن فوطی* و *تاریخ و صاف*، از سال‌های ۴۱ق تا پایان قرن هفتم قمری می‌توان به چند نمونه از این حوادث طبیعی اشاره کرد: طغیان دجله و وقوع زلزله در بغداد در سال ۴۱ق (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۱۱۲-۱۱۳)، وزش تندباد و نزول تگرگ‌های بزرگ و طغیان دجله و غرق محله رصافه در سال ۶۴۵ق (همان، ۲۳۰)، سرمای شدید و هلاکت احشام در سال ۶۷۴ق (همان، ۲۳۰)، عدم نزول باران و شیوع بیماری و قحطی و گرانی در سال ۶۷۸ق (همان، ۲۴۴) و نیز سال ۶۹۰ق (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۵). همچنین در سال ۶۹۸ق باران نبارید و آب دجله و فرات نقصان یافت و از بی قحطی، و بابی عظیم و سرخچه شیوع یافت (همان، ۱۹۸). آنچه بر وخامت اوضاع می‌افزود، سوء مدیریت، تلاش‌های ناکافی و نامستمر حکام و عدم مقابله صحیح با بحران‌های ناشی از شرایط جوی بود که نتیجه‌ای جز ویرانی بغداد به بار نیاورد.

۳-۲. نظام مالیاتی ایلخانان و دریافت رشوه

در شهر بغداد که بیش از پنج قرن دارالخلافة دنیای اسلام و مقر سکونت خلفاء، وزرا و صاحب‌منصبان بود، وجود مفاسد اقتصادی همچون رشوه، تقلب، پرداخت‌های غیرقانونی، استفاده از قدرت، حیف و میل کردن بیت‌المال، اختلاس، اخذ مالیات از راه‌های غیرقانونی، از مدت‌ها قبل و در سراسر عصر خلفای عباسی بر شکوه و عظمت آن آسیب می‌زد. چنان‌که مسکویه در ذیل بیان حوادث قرن چهارم قمری، با بیان گزارش‌های مربوط به مفاسد اقتصادی در بغداد (مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۶۲/۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۹۳، ۲۲۲، ۲۴۳)، دریافت مالیات از راه‌های غیرقانونی (همان، ۱۳۱/۶، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۶۸)، خرید مناصب دولتی (همان، ۲۹۶، ۳۲۱؛ همان، ۷/۵، ۶۵، ۶۸، ۷۷، ۷۹، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۵)، مصادره اموال (همان، ۱۴۷/۵، ۱۴۹-۱۵۲، ۱۵۵-۱۵۸، ۱۶۳) و غیره به ریشه‌دار بودن مقدمات زوال در بغداد مدت‌ها قبل از عصر ایلخانی اشاره کرده است.

در بغداد عصر ایلخانی علاوه بر زمینه‌های فساد و ارتشاء و اختلاس دولتی‌ها و ظلم

کارگزاران حکومتی، نظام مالیاتی ایلخانی نیز یکی از عوامل مهم ناتوانی بغداد در رسیدن به همان سطحی بود که قبل از حمله مغول بدان دست یافته بود.

با توجه به ابهام معنای برخی از اصطلاحات و ماهیت نظام مالیاتی دوره ایلخانان، پطروشفسکی در کنار مالیات‌هایی که قبل از حمله مغول معمول بوده، مانند خراج یا مالیات ارضی، از اقسام دیگر مالیات که در عهد ایلخانان به وجود آمد، مانند قیچور، قلان، تمغا، تفاوت، توفیر، زواید و تمری، [و نیز اصطلاح] اخراجات، حق التقریر، حق التولیه و حق التحصیل نام برده است. البته گذشته از اینها، مالیات‌های دیگری نیز از مردم گرفته می‌شد که خودسرانه از سوی زمامداران محلی وضع می‌شد؛ با نام «شلتاقات» و نیز برات‌ها که نوشته‌های است از طرف حکومت که به شاهزادگان، امرا، اعیان و کارگزاران اجازه می‌داد آن را برای وصول واجب و مستمری خویش، از محل مالیات‌های ولایات و ایالات نقد کنند (پطروشفسکی، ۱۳۷۹: ۵۰۲/۵، ۵۰۸).

بدون تردید، بهترین توصیف از نظام مالیاتی مغولان، در گزارش رشیدالدین فضل‌الله بیان شده است. او شرح می‌دهد که چگونه خوانین و شاهزادگان و امرای اردو و امرای تومان و هزاره و صده و شهنه‌های مغول و اصحاب اردو، از جمله قوش‌چیان، بارس‌چیان، اختاچیان، قرچیان، ایداجیان و دیگر اصناف، به هر بهانه‌ای جهت أخذ مال، ایلچی به ولایات می‌فرستادند. این عمل آنقدر تکرار شده بود که دزدان و راهزنان هم خود را در لباس ایلچی معرفی می‌کردند و از مردم مالیات می‌گرفتند (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۴۲۲/۲، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶).

اشپولر نیز فقدان فهرست‌های دقیق مالیاتی و وصول مکرر مالیات توسط تحصیل‌داران متعدد را از دلایل افزایش فقر و ویرانی عصر ایلخانی می‌داند. وضع دلبخواهی مالیات توسط سعدالدوله، نمونه‌ای از موارد متعدد است (اشپولر، ۱۳۷۴: ۹۰: آیتی، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

بدین ترتیب می‌توان با قاطعیت استنباط کرد که فضای بغداد نیز همچون سایر ممالک تحت نفوذ ایلخانان، مملو از فساد اداری بوده است. به قول اشپولر، تکرار حوادث مشابه در بغداد عصر ایلخانی، نشان از تداوم اقتصاد بیمار دارد که به مرور موجب سودجویی و اعمال غرض مأموران مالیاتی شده بود و به شکل اختلاس حتی در عملکرد برجسته‌ترین مأموران مالیاتی نیز دیده می‌شد (اشپولر، ۱۳۷۴: ۳۱۰-۳۱۱).

همچنین حکام که خزانه را خالی و خود را در ورطه سقوط می‌دیدند، اقدام به مصادره اموال بزرگان تا سرحد شکنجه و قتل می‌کردند. برای نمونه، به دستور «ایلخان اباقا (۶۶۳-

۶۸۰ق) تغاجر یرغوچی با طایفه‌ای از معادیان به بغداد رفتند و حتی چند بار به رباط و خانقاه صاحب‌دیوان جوینی رفتند، زمین آن را شکافتند و خراب کردند ولی هیچ نیافتند. عاقبت او را به غل و زنجیر کشیدند» (آیتی، ۱۳۸۳: ۶۴). پس از مصادرهٔ اموال جوینی و قتل او، فرزندان او را نیز کشتند. حتی بر اطفال بی‌گناه نیز رحم نکردند (همان، ۸۴).

مصادرهٔ اموال بوقا توسط ارغون‌خان (همان، ۱۳۲)، به زنجیر کشیدن عزالدین مظفر توسط بایدوخان (همان، ۱۸۷)، مصادرهٔ سعدالدین صاحب‌دیوان در اثر سعایت تاج‌الدین آوی توسط البجایتو (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۷۸) و قتل علی بهادر شحنةٔ بغداد و العلوی معروف به «الطویل»، طلب مال از ابن‌عبدوس (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۲۰۸) و موارد متعدد دیگر، به روشنی گویای وجود فساد اداری در ممالک تحت نفوذ ایلخانان است.

۳-۳. عدم تعادل مخارج و درآمد ایلخانان

سیاست مصادره و ضبط اموال موجب می‌شد تا بزرگان بغداد از ترس مصادره، ذخایر مالی خود را پنهان کنند. این اقدام موجب کاهش پول نقد و افزایش نرخ تورم شد. در نتیجه، تجارت از رونق افتاد و بازار دچار رکود شد. واکنش اهالی بغداد به این نابسامانی‌ها، ناآرامی و اغتشاش بود و چه‌بسا بسیاری از بزرگان به سبب ترس از مصادرهٔ اموال یا غارت املاکشان، بغداد را ترک کردند. در مورد درآمد و چگونگی مخارج دولت ایلخانان، اطلاعات جامعی در دست نیست. عمدهٔ اطلاعات دربارهٔ میزان درآمد مالیاتی است که حمدالله مستوفی اطلاعات دقیقی در این مورد به دست می‌دهد.

قدر مسلم آنکه فتوحات هلاکوخان با غنایم بسیار همراه بود. برای نمونه، می‌توان به غارت سرای خلیفه در بغداد که رشیدالدین، وصّاف و دیگر مورخان پس از شرح قتل‌و عام به تفصیل گزارش کرده‌اند (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۹)، نقود گداخته و تحف و هدایا جهت ایلخان و نقل اموال بغداد (همدانی، ۱۳۷۳: ۲/۱۰۲۲۷؛ میرخوند، ۱۳۷۳: ۸۹۶) به خزانهٔ دولت ایلخانی در جزیرهٔ شاهو و مخفی کردن اشیای قیمتی الموت در همین خزانه (اشپولر، ۱۳۷۴: ۲۹۸) اشاره کرد.

خزانهٔ حکومتی که با غنایم ناشی از فتوحات هلاکوخان غنی شده بود، بر اثر سیاست‌های نامناسب و همچنین فساد مالی کارگزاران مغولی، در حالی با مشکلات مالی مواجه شد که دورهٔ غنایم جنگی به سر آمده و حکومت ایلخانی درگیر نبردهای تدافعی با دشمنان و همچنین جنگ‌های خانگی بود و این امر هزینه‌های زیادی به دنبال داشت. یکی از

دلایل نزاع دائمی ایلخانان با ممالیک، چشم طمع به ثروت مصر و کسب غنائم بود. به‌طور قطع ایلخانان برای اداره قلمرو وسیع خود، تقدیم هدایا و بخشش‌های بی‌حد و حصر که یکی از موارد هزینه‌های عصر ایلخانی است، مانند پیشکش کردن سفینه‌ای به سلطان الجایتو توسط تاج‌الدین علیشاه در سال ۷۰۹ (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۷۲)، اهدای کله‌ای مرصع به وزن چهارده رطل از دانه‌های گوهر و کلاهی مکمل به جواهر که قطعه لعلی به وزن بیست و چهار مثقال بر قبه آن نصب شده بود و نه غلام با کمرهای زبرجد بر اسبان عربی با ساخت و ستام زر (همان، ۲۷۹) و نگهداری سپاه بزرگ آن و تأمین مایحتاج لشکر، احتیاج به درآمدهای هنگفتی داشتند. درحالی‌که عمده‌ترین منبع درآمد، مالیات بود که بار اصلی آن بر دوش رعایا قرار داشت.

زمانی می‌توان بر وخامت اوضاع در عصر ایلخانی پی برد که میزان درآمد هیئت حاکمه و اوضاع رقت‌انگیز و ملال‌آور مردم که بار اصلی تأمین منابع درآمد را بر دوش می‌کشیدند، با میزان مخارج و هزینه‌های حکام مورد انطباق قرار گیرد. در هر حال میزان قطعی این هزینه‌ها معین نیست؛ زیرا با تغییر ایلخان و تغییر شرایط حکومتی، میزان و مبلغ پرداختی تغییر می‌کرده است. درآمدهای ناشی از تولیدات کشاورزی که می‌توانست تا حدی اوضاع را برای مردم و هیئت حاکمه به سامان آورد، به دلیل سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد اقتصادی در کنار شرایط جوی و اقلیمی، بی‌توجهی به قنات‌ها و نظام آبیاری و وضعیت رودها و نهرهای بغداد، دچار رکود شده بود و در نتیجه منابع کاهش چشمگیری در وضعیت کشاورزی نشان دادند. آنچه که بر وخامت اوضاع می‌افزود، تیول مناطق ویران بود که توسط ایلخانان به اقطاع گیرندگان واگذار می‌شد و آنها و وابستگان‌شان بدون توجه به وضعیت موجود، به بهره‌برداری هرچه بیشتر می‌اندیشیدند و زیان حاصل را بر رعایا تحمیل می‌کردند.

مقاطع‌داران به جهت مال‌اندوزی انواع عذاب‌ها را روا می‌داشتند؛ چنان‌که آن مازاد اندک عین نقصان می‌شد و پاره‌ای از مواضع که خراج آن گران افتاده بود، رعایا را مجبور می‌کردند تا دست از حاصل خود بشویند؛ زیرا آنان را از تصرف منع می‌کردند (همان، ۲۴۰).

۳-۴. عدم وجود نهادهای نظارتی بر عملکرد تجار

بغداد از مراکز تولیدات صنعتی و صادراتی برای بازار بین‌المللی و نیز بازار کالاهای گوناگون بود و نظارت بر کار افراد در جامعه و نظارت بر بازارها و حِرَف و نظارت بر قیمت و ترازوها تا قبل از حمله مغول، برعهده تشکیلات اداری و دینی به نام حسبه بوده است

(ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱/۴۲۰). نظارت بر بازار، به‌ویژه دادوستد، نرخ‌گذاری و قیمت‌ها و نظارت بر کسبه، از موارد مسلم حسبه بوده است (مشایخی، ۱۳۷۶: ۱۴۴-۱۴۶). اینک نهاد نظارتی حسبه چه نقش‌های متنوعی در رونق فضای کسب و کار تولید در تمدن اسلامی ایفا می‌کرد، به روشنی می‌توان در آثار افرادی چون ابن‌اخوه، شیزری، ابن‌بسام و ابن‌عبدون دید؛ به‌ویژه کتاب *معالم القریه فی احکام الحسبه* تألیف ابن‌اخوه قرشی که در روزگار ایلخانان نوشته شده است. وی می‌گوید: همهٔ مشاغل یک شهر اعم از نانواپی و قصابی، پزشکی، و کالت و غیره در حوزهٔ بازرسی محتسب قرار داشت و محتسب موظف بود از معاملات ناروا جلوگیری کند (ابن‌اخوه، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۲۱).

گفتنی است موضوع حسبه و محتسب دامنه‌ای وسیع داشته است که قصد ما پرداختن به آنها نیست، بلکه پس از مطالعهٔ منابع مرتبط، آنچه در همهٔ مناطق تحت حکمروایی ایلخانان مورد توجه قرار می‌گیرد، خلأ نهاد نظارتی حسبه و فعالیت محتسبان می‌باشد. بدون تردید باید انتظار داشت که اوضاع اجتماعی و اقتصادی وخیم‌تر از ایام گذشته بوده باشد. به نظر می‌رسد قبل از مسلمانی ایلخانان، «شحنگان» به جای «محتسبان» مسئول برقراری نظم بازار بوده‌اند (جویی، ۱۳۸۲: ۳/۲۹۲).

نمی‌توان شئون شحنگان و نایبان را با شأن محتسب مقایسه کرد؛ زیرا از شرایط محتسب نزد علمای شیعه و اهل سنت، مواردی چون عادل بودن، مرد بودن و رسیدن به درجهٔ اجتهاد بوده است (مشایخی، ۱۳۷۶: ۳۷)؛ حال آنکه بنا بر آنچه گذشت، نایب‌ها از هیچ نوع اعمال غرض و سودجویی رویگردان نبودند (اشپولر، ۱۳۷۴: ۳۷).

می‌توان گفت تضعیف نهاد نظارتی حسبه در کنار علل و عوامل یاد شده، می‌تواند از علل افزایش تورم و گرانی در بغداد عصر ایلخانی باشد. به‌طور مثال، ابن‌فوطی ذیل حوادث سال ۶۶۸ ق. می‌نویسد: «در سال ۶۶۸ بهای چیزها در بغداد بالا رفت. آن سان که یک کرگندم را صد و پنجاه دینار می‌فروختند و در بیشتر اوقات نان در بازارها به سختی به دست می‌آمد» (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۲۱۹). همین مورخ در مورد افزایش تورم در بغداد ذیل حوادث سال ۶۸۴ ق. می‌گوید: «سپس اجناس گران شد و بهای یک کرگندم به صد و هشتاد دینار رسید و یک کرگندم جو صد دینار و نان را هر سه رطل به یک درهم می‌دادند. از موصل آرد و نان نازک رسید که آن را در نهانخانه‌ها می‌فروختند که فقط بعد از واقعهٔ فتح بغداد که مردم حله را سلطان امان داده بود این گونه معامله می‌شد» (همان، ۲۶۷). همچنین در تداوم اوضاع ناگوار

همین سال آورده است که: «مردم فقیر و ناتوان فرزندان خود را می‌فروختند، حتی زنی خود را به دجله افکند. مردم برگ هویج و شلغم و پیاز و هر نبات که از زمین روئیده بود، چون ریشه‌ی نی و بردی و گز و غیر آن می‌خوردند. سال به پایان رسید و مردم همچنان در رنج بودند. از یک سو گرانی اجناس و از سوی سقوط بهای درهم بر رنجشان درافزوده بود» (همان، ۲۶۸).

۳-۵. منازعات مذهبی

آنچه شرایط را برای بروز ویرانی و رکود در کنار عوامل یاد شده هموار می‌کرد، سیاست‌های جناحی مذهبی و سرکوب و تبعیض علیه مذاهب و مکاتب دیگر بود. منازعات فرقه‌ای در شرایط خاص سیاسی، اقتصادی و مذهبی شهر بغداد، همواره مهم‌ترین عامل حادثه‌ساز بوده است. تلاش پیروان مذاهب برای نفوذ در ساختار قدرت و یا گرایش مذهبی خلفا به فرقه‌ای خاص، منازعات را تشدید می‌کرد؛ مانند موضع مأمون در جریان «فتنه خلق قرآن» (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۴۹۱/۲) و یا منازعات مخرب مذاهب اهل سنت بر سر تصاحب منصب قضاوت (حیدر، ۱۳۹۲: ۲۹۵/۱) و درگیری‌های شیعیان و سنیان، مانند آتش زدن محله کرخ توسط ابوالفضل بن عباس در ۳۶۱ق (ابن اثیر، ۱۳۸۰: ۳۸۳/۵) و ده‌ها نمونه دیگر که منجر به بی‌ثباتی بازارهای بغداد در کرخ و رصافه شد. در جریان یاد شده «هفده هزار انسان جان باخته، سیصد دکان، سی و سه پل، بسیاری از ساختمان‌ها و اموال زیادی از بین رفت» (همان، ۳۸۳). آتش گرفتن مناطق سوق العروس، سوق الاغاط و سوق الدقاقین در سال ۴۲۲ و «کشته شدن جمع کثیری در سال ۶۵۳» حاصل همین منازعات بوده است (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۱۷۱). با روی کار آمدن دولت ایلخانی که از اساس تعلق خاطری به اسلام نداشت، زمینه برای قدرت‌آزمایی ادیانی چون مسیحیت و یهود فراهم آمد. فولتس در کتاب *گذار معنویت از ایران زمین می‌نویسد*: «مسیحیان تا آنجا که توانستند انتقام خود را از مسلمانان گرفتند. آنها که تا پیش از این در انجام مراسم دینی خود با محدودیت‌هایی مواجه بودند، اکنون به صورت افراطی به آنچه مغایر با قوانین اسلام بود تظاهر می‌کردند. حتی در بغداد تعدادی از مسلمانانی را که قبلاً مسیحی بودند، در دجله غرق کردند» (فولتس، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۲). به گفته اشپولر با حمله طرفداران خلیفه عباسی با حمایت ممالیک مصر، مسلمانان بغداد فرصت را مغتنم شمردند و به قتل عام مسیحیان مبادرت ورزیدند (اشپولر، ۱۳۷۴: ۲۱۴).

ابن خلدون در بیان کینه‌توزی مذهبی می‌گوید: «تصاد عقیدتی و کینه‌ورزی شهروندان سنی

و شیعه و مسیحی چنان بود که در جریان فتح بغداد یکی به زیان دیگری دروازه را به روی خصم می‌گشود» (ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۸۳۱/۲). تغییر گرایش دینی ایلخانان نیز زمینه رقابت‌ها و میدان منازعات را تحت الشعاع خود قرار داده بود و «چه بسا تغییر سیاست مذهبی سبب التفاط مردم به سلطان مصر که مدافع اسلام محسوب می‌شد، می‌گردید» (اقبال، ۱۳۷۶: ۲۰۴/۱).

۳-۶. رقابت‌های سیاسی و لشکرکشی ایلخانان به شامات و مصر

در کنار جنگ بر سر دستیابی به قدرت توسط حکام ایلخانی، آنچه بر وخامت اوضاع می‌افزود و ویرانی بغداد را تشدید می‌کرد، جنگ‌های متعدد جهت تصرف مصر و شام بود و بغداد می‌بایست مخارج این جنگ‌ها را تأمین می‌کرد. همان‌طور که گفته شد، مأموریت هولاکو توسط خان بزرگ، از ابتدا از جیحون تا مصر تعریف شده بود (همدانی، ۱۳۷۳: ۹۷۴/۲). لذا پس از سقوط بغداد تسلط بر بیت‌المقدس و به زانو درآوردن شام و مصر (ساندرز، ۱۳۸۳: ۱۱۲)، مورد اهتمام تمامی ایلخانان قرار گرفت. هلاکو بلافاصله پس از فتح بغداد به حلب و شام لشکر کشید. فتح شام پس از جنگ و گریزهای پی‌درپی (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۲۵/۲)، نوید فتح مصر را می‌داد که به پشتوانه خلافت عباسی رقیب سرسختی برای ایلخانان محسوب می‌شد (همان، ۱۰۲۸): به همین دلیل هلاکو با فرستادن ایلچی به مصر، به تهدید و ارباب ممالیک پرداخت، اما پیکار اصلی در «عین‌جالوت» در فلسطین روی داد و برخلاف انتظار مغولان، جمع کثیری از آنها کشته شدند و با شکست عین‌جالوت شام نیز ضمیمه مصر شد (همان، ۱۰۳۵). ایلخانان بعدی تا عهد اولجایتو همچنان به لشکرکشی بی‌ثمر علیه ممالیک مصر دست می‌زدند. اباخان به بهانه تاخت‌وتاز شامیان عزم مصاف با مصریان را داشت، اما از فرات نگذشت (همان، ۱۱۱۶). غازان نیز به این بهانه، دفع شر آن طاغیان را بر خود لازم دانست و به سمت شام و مصر لشکر کشید (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۲۸۹/۲-۱۲۹۴). بدین ترتیب بغداد در این ایام به عنوان کانون مهم مقابله با دشمنان متعدد، بیشتر از گذشته آسیب دیده بود و بار تأمین مخارج جنگ‌های متعدد را بر دوش می‌کشید. درحالی‌که علاوه بر تخریب، ناامنی موجود پیامدی جز رکود اقتصادی و تجاری برایش به ارمغان نیاورد و باید هزینه رونق و شکوه پایتخت بیلاقی ایلخانان یعنی تبریز و سلطانیه را نیز می‌پرداخت.

نتیجه گیری

شهر بغداد در ایام حاکمیت ایلخانان جایگاه معنوی پیشین خود را در ممالک اسلامی از دست داد و اداره شهر به عنوان یکی از پایتخت‌های ایلخانان، به عناصر ایرانی واگذار شد. با ورود نیروهای مغول به بغداد و ساختارهای جدید، اداره شهر رابطه مستقیمی با اهداف ایلخانان داشت که به دلیل اهتمام ایلخانان بر بازسازی بغداد، با جدیت و کوشش حکام و کارگزاران مسلمان، احداث و نوسازی و بهبود نسبی صنعت و هنر در این شهر آغاز شد. ایلخانان با بهره‌گیری از ماهیت تجاری و استراتژیک بغداد، درصدد بودند تا از نیروی مادی و ثروت، راه‌های بازرگانی، آبادی‌ها و امکانات موجود بغداد، همچون دجله و نهرهای منشعب از آن بهره‌برداری کنند تا هم خزانه خود را غنی سازند و هم بغداد پایگاهی جهت مقابله با ممالیک مصر و پیشروی برای فتوحات بعدی باشد، اما با وجود تمایل فراوان حکام ایلخانی، سست بودن پایه‌های حکومت آنها سبب انحطاط، تنزل و عدم ثبات تمامی ارکان اجتماعی شد و حکومت ایلخانی نه تنها نتوانست بر جریان امور اقتصادی و اجتماعی نظارت شایسته داشته باشد، بلکه بیشتر مواقع با مصادره اموال و عدم تراز درآمدها و هزینه‌ها، بی‌توجهی به نظام آبیاری، تیول مناطق ویران و عدم وجود نهادهای نظارتی بر عملکرد تجار، سبب ازهم گسیختگی وضعیت مردم بغداد از نظر اقتصادی و معیشتی می‌شد و با گذشت زمان شکاف‌ها عمیق‌تر شده بود و در درازمدت آشکارا هویدا شد. منازعات مذهبی و رقابت‌های سیاسی میان مدعیان قدرت و نیز تبعات ناشی از لشکرکشی‌ها، به‌ویژه به سمت شام از مدخل بین‌النهرین و بغداد از دیگر علل و زمینه‌های ویرانی و رکود تجاری شهر بغداد در عصر ایلخانی بوده است.

منابع و مآخذ

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳)، *تحریر تاریخ و صاف*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، چ ۳.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۰)، *تاریخ کامل*، ترجمه سید محمدحسین روحانی و حمیدرضا آذیر، ج ۵ و ۸، تهران: اساطیر.
- ابن‌اخوه قرشی (۱۳۸۶)، *آیین شهرداری در قرن هفتم هجری (معالم القربه فی احکام الحسبه)*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات شهرداری تهران، چ ۲.
- ابن‌العبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن (۱۳۶۴)، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: اطلاعات.

- ابن فوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد شیبانی (۱۳۸۱)، *الحوادث الجامعة*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن بطوطه، ابوعلی عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۷۰)، *تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجایب الاسفار* (معروف به *رحله ابن بطوطه*)، ترجمه دکتر محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: انتشارات آگاه، چ ۵.
- ابن جبیر، محمد بن احمد (۱۳۷۰)، *سفرنامه ابن جبیر*، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، چ ۲.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۳۸۳)، *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۱ و ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، چ ۳.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۳۶۰)، *تاریخ فخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: نشر کتاب، چ ۲.
- ابن کثیر الدمشقی، ابی الفداء الحافظ (۱۴۰۵/ق ۱۹۸۵م)، *البداية و النهاية*، تحقیق احمد ملحم فؤاد السید و دیگران، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- اشپولر و دیگران (۱۳۸۵)، *ترکان در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۴)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۵.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۶)، *تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری*، ج ۱، تهران: نامک.
- الامین، حسن (۱۴۱۴/ق ۱۹۹۳م)، *المغول بین الوثنیة و النصرانیة و الاسلام*، بیروت: دار المعارف للمطبوعات.
- التیمی، م. حمدی حسین علوان (۱۴۳۶-۲۰۱۵)، «*الحياة الاقتصادية في الدولة العربية الاسلامية في العصر العباسي*»، *الدراسات التاريخية و الحضارية*، العدد ۲۲، صص ۳۰۱-۳۲۵.
- الضلاعین، مروان عاطف (۲۰۰۹)، «*السلع التجارية في اسواق بغداد في العصر العباسي الاول*»، *دراسات العلوم الانسانية و الاجتماعیه*، المجلد ۳۶، العدد ۳، صص ۶۱۸-۶۴۳.
- العبادي، احمد مختار (۱۹۷۱)، *التاريخ العباسي و الفاطمي*، بیروت: دار النهضة العربية.
- القدسی، عباس فاضل رحیم (۱۹۸۸م)، «*النشاط الاقتصادي للدولة العربية الاسلامية في العصر العباسي الثالث*»، *دراسات في التاريخ الاقتصادي العربي الاسلامي*، (۱/۳۲)، صص ۳۶۲-۳۸۴.
- المدوّر، جمیل نخله (۱۴۲۳/ق ۲۰۰۳م)، *تاریخ العراق في عصر العباسيين المسمى حضارة الاسلام في دار السلام*، قاهره: دار الافاق العربية.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴)، *فتوح البلدان*، تصحیح محمد فرزان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سروش، چ ۲.
- بیانی، شیرین (۱۳۹۱)، *مغولان و حکومت ایلیخانی در ایران*، تهران: سمت.
- ---- (۱۳۶۷)، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، ج ۱ و ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- (۱۳۷۷)، تیسفون و بغداد در گذر تاریخ، تهران: دیبا.
- پطروشفسکی، آ. پ. و دیگران (۱۳۷۹)، تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر، چ ۳.
- پطروشفسکی و دیگران (۱۳۹۴)، نظام اجتماعی و اقتصادی ایلیخانان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- پلان کارین (۱۳۶۳)، سفرنامه پلان کارین، ترجمه دکتر ولی‌الله شادان، تهران: فرهنگسرای یساولی.
- جوادی، حسن (۱۳۷۸)، ایران از دیده سیاحان اروپایی از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه، ج ۱، تهران: نشر بوته.
- جوینی، علاء‌الدین عظاملک (۱۳۸۲)، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح علامه محمد قزوینی، ج ۳، تهران: بیک ایران، چ ۳.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۸)، جغرافیای حافظ ابرو، تصحیح صادق سجادی، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- حیدر، اسد (۱۳۹۲)، امام صادق علیه‌السلام و مذاهب اهل سنت، ترجمه سید محمدحسین نواب، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- خطیب بغدادی، ابی‌بکر احمدبن علی [بی‌تا]، تاریخ بغداد، ج ۱، [بی‌جا]: دار الفکر.
- خضباک، جعفر حسین (۱۹۶۸)، العراق فی عهد المغول الايلخانيين، بغداد: مطبعة العائى.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب السیر، ج ۳، تهران: خیام.
- دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود (۱۳۶۶)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، چ ۲.
- رشیدو، بی‌ن (۱۳۶۸)، سقوط بغداد و حکمروایی مغولان در عراق، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۸۸)، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلیخانان، تهران: امیرکبیر.
- ساندرز، ج. ج. (۱۳۸۳)، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۴.
- شبر، السید حسن (۱۴۳۲ق/ ۲۰۱۱م)، خلفاء بنی العباس و المغول آسقطوا بغداد (من وجهه نظر جدیدة)، بیروت: المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام.
- صرامی، سیف‌الله (۱۳۷۷)، حسبه یک نهاد حکومتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۳)، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۱، ۱۲، ۱۳، تهران: اساطیر، چ ۲.
- فوئس، ریچارد (۱۳۸۵)، دین‌های جاده ابریشم، ترجمه ع. پاشایی، تهران: نشر ادیان.
- (۱۳۹۰)، گنار معنویت از ایران زمین، ترجمه جمعی از مترجمان، قم: نشر ادیان.
- قلقشندی، ابوالعباس احمدبن علی (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی ایران (در قرن نهم هجری) برگرفته از صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ترجمه محبوب الزویری، تهران: وزارت امور خارجه.

- لوی عباسی، محمد (۱۳۳۴)، جهانگردی مارکوپولو، تهران- مشهد: بنگاه مطبوعاتی گوتنبرگ.
- مجهول المؤلف (۱۳۹۰)، تاریخ شاهی قراختائیان کرمان، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم، چ ۲.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۷۸)، نرمة القلوب، تصحیح سید محمد دبیر سیاقی، قزوین: طه.
- ---- (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، تهران: سپهر، چ ۳.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵)، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۶)، تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۵ و ۶، تهران: انتشارات توس.
- مشایخی، قدرت‌الله (۱۳۷۶)، حسبه یا نظارت بر سلامت اجرای قانون، قم: انتشارات انصاریان.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۵)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۱، تهران: کوهش، چ ۲.
- مورگان، دیوید (۱۳۸۰)، مغول‌ها، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- میرخوند، محمد بن خاوندشاه بلخی (۱۳۷۳)، روضة الصفاء، تهذیب و تلخیص دکتر عباس زریاب خوبی، تهران: انتشارات علمی.
- وصاف الحضرة (۱۳۸۸)، تاریخ و صاف الحضرة، تصحیح علیرضا حاجیان نژاد، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳)، جامع التواریخ، تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۱ و ۲، تهران: البرز.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ترجمه دکتر علی نقی منزوی، ج ۱ و ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۲۵۳۶)، البلاان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ---- (۱۳۶۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳.

